

ظهور زرتشت پیامبر ایرانی در پاریس



mahbaz ghasanferi

مقدمه :

ممکن است عنوان بالا در نظر بعضی از خوانندگان عجیب آید ولی توضیحات و شرحی که خواهد آمد معنی و مقصود را روشن خواهد ساخت .

باید دانست که تا پانصد سالی پیش از این یعنی پیش از کشف « دماغه امیدنیک » در جنوب آفریقا در سال ۱۴۹۸ میلادی فرنگیها از مشرق زمین (نزدیک میانه و دور) وحتى از کشور بهناور و افسانه‌ای هندوستان ، گذشته از آنچه در کتابهای یونانی و رومی میخواندند ، اطلاع زیادی در دست نداشتند (۱) بطوری که نویسنده و شاعر نامدار آلمانی گیوم شکل (بکر اول و دوم) (۲) در سال ۱۸۳۲ میلادی برسم تفاخر نوشت که « ما در این قرن کنونی آنچه دربار هندوستان اطلاع بدست آورده‌ایم بیشتر است از آنچه از

زمان اسکندر مقدونی بدینطرف در مدت بیست و یک قرن بدست آورده بودیم . » رفته رفته بمرور زمان راهها باز شد و موانع از میان برخاست و رفت و آمد آخرون شد و فرنگیها متوجه شدند که کشورهای مشرق زمین (نزدیک میانه و دور) هر یک گنجینه گرانبهائی است از علم و ثروت و معرفت ، که بزحمت سیر و سیاحت میارزد و گردش در این سرزمینها در عین حال هم لذت بصری دارد و هم دریای بخاری از معلومات و اطلاعات علمی و هنری بدست میدهد و مذاهب و آئین‌هایی بسیار قدیمی در آنجا وجود دارد که صدها میلیون نفوس را غذای روحی پرنیروئی میبخشد و از آن گذشته این منطقه برای مناسبات سیاسی و تجاری هم زمینه بسیار مناسبی است و بهترتریبی هست باید خودرا بداتجا رسانید و استفاده و استفاده کرد .

پس رویه‌رفته میتوان گفت که فرنگیها و مغرب زمینها برای ۲۷

Raymond Schwale: "La Renaissance Oriental" (۳)
(Bibliothèque historique Rayot Paris 1950).

این کتاب در حقیقت تاریخ جامعی است از « خاورشناسی » و دارای فهرست مهمی است از صدها کتابی که در این زمینه بزبانهای مختلف تألیف یافته و بچاپ رسیده است و چون زیاد هم ضخیم نیست (رویهمرفته مشتمل است بر ۵۴۶ صفحه) ترجمه آن هم از حیزامکان بیرون نیست .

(۴) Anquetil Duperron (۱۷۳۱-۱۸۰۵ میلادی)

برای اطلاع بیشتری درباره این شخص شخص مراجعه شود بمقاله‌ای با عنوان « شناساننده زرتشت و اوستا » که بقلم نگارنده در « نامه مینوی » (مجموعه ۳۸ گفتار بیاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات استاد مجتبی مینوی) که زیر نظر آقایان حبیب یغمائی و ایرج افشار با همکاری آقای محمد روشن در طهران درمهرماه ۱۳۵۰ بچاپ رسیده است .

(۵) نگارنده این سطور هم بطوری که در « سروه یک کرباس » حکایت کرده است در طفولیت و در زمانی که ساکن اصفهان بود برای درس انگلیسی دچار همین نوع مشکلات بود و هنوز خوب بخاطر دارد که برای خریدن نخستین کتاب قرآنت انگلیسی مجبور بود بهجلفا برود و کتاب را از ارضی‌ها بخرد و در بغل زیر قبا و آرخاق پنهان باصفهان بیاورد . عاقبت هم آخوندهای آقا نجفی (شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی) ریختند و مدرسه را ویران ساختند و یکی از موسسین آن مدرسه را بنام آقا محمدجواد صراف که مرد تنومندی بود کشان‌کشان بمسجد شاه بردند و بحکم آقا نجفی حدس‌خیزی زدند و خدا رحم کرد که ما اطفال خردسال در آن موقع درمدرسه حاضر نبودیم که مزه تعدیات آخوند مآبانه را بچشیم .

(۶) از آنجائی که نخدایان کشتیهای بادی که عازم هندوستان بودند نظر بمخاطرات گوناگون وحشی خطر جانی بآسانی نمیتوانستند عده کافی ملاحظه استخدام نمایند لهذا برای اینکار بدولت مراجعه میکردند و دولت از میان زندانیان عثمائی را انتخاب کرده بدانها تحویل میداد که اگر زننه نمائند کسی مشغول نباشد و سروصدائی برآه نیفتد .

(۷) Montaigne (۱۵۳۳ - ۱۵۴۹ میلادی) حکیم مشهور فرانسوی مولف کتاب « مطالعات » - Les Essais - . حکمت این شخص همچون ماندنی است از عقاید و افکار خیام و سعدی و مولوی ، و اثرش خواندنی است و هرچند بزبان فرانسوی قدیمی است باید امیدوار بود که روزی بفارسی هم ترجمه برسد .

(۸) عین عبارت او چنین است :

(۴) G. Schlegel (۱۷۶۷ - ۱۸۴۵ میلادی) . « Les Malleurs sont la semence des héros »

او چنین کاری را بدون کمک احدی وبدون آنکه شانه‌اش در زیر بار منت کسی باشد انجام میداد . «

کشتی نمیتوانست بآسانی از بندر فرانسه براه بیفتد . مقدمات کار بسیار دشوار بود . چهارماه تمام طول کشید تا در روز هفتم فوریه ۱۷۵۵ میلادی کشتی براه افتاد . انگتیل بدبختانه از آن گروه آدمیانی بود که مسافرت با کشتی برایشان سازگار نیست . طولی نکشید که مریض و بیچاره شد . بطوریکه خودش در دفتر یادداشت‌هایش نوشته است « هر سه مرضی که از خصوصیات این مسافرتها و هندوستان است یعنی تب محلی معروف به « تب گنجی » و اسهال و فتق سورتائی بر سرآغ آمدند و مرتباً بر شدت آنها افزود . «

جوان فرانسوی با این امراض هم ساخت و به مسافرت خود ادامه داد و بقول خودش : « بلا و مصیبت را بدر رادمردی و سرمایه قهرمانی » دانست (۸) .

همینکه کشتی بمناطق حاره رسید یک تنوع مرض تازه‌ای که شباهت به وبا داشت و حتی در میان کشتی‌نشینان احدی اسم آنرا هم نمیدانست بجان او و سایر اهل کشتی افتاد . هر کس به این مرض مبتلا میشد دوروزه تلف میشد . حتی ناخدای کشتی هم نتوانست از جنگال این مرض جان بدربرد .

انگتیل از ترس چنین بلای مبرمی تمام ساعات شب و روز را روی عرصه کشتی میگذاشت . سرما و رطوبت و حرکت دائمی آب و کشتی اندک‌اندک قوای او را تحلیل بردند و سرانجام قهرمان ما دچار سینه پهلوی شدیدی گردید که نوماء تمام بلای جانش شد و روزگارش را سیاه کرد .

مرض در آن موقع بیش از صد نفر از همسفرهای انگتیل را از میان برد و بقیه السیف هم همه علیل و ضعیف ، در کثافت و تمفن غیر قابل تصویری بسر میبردند .

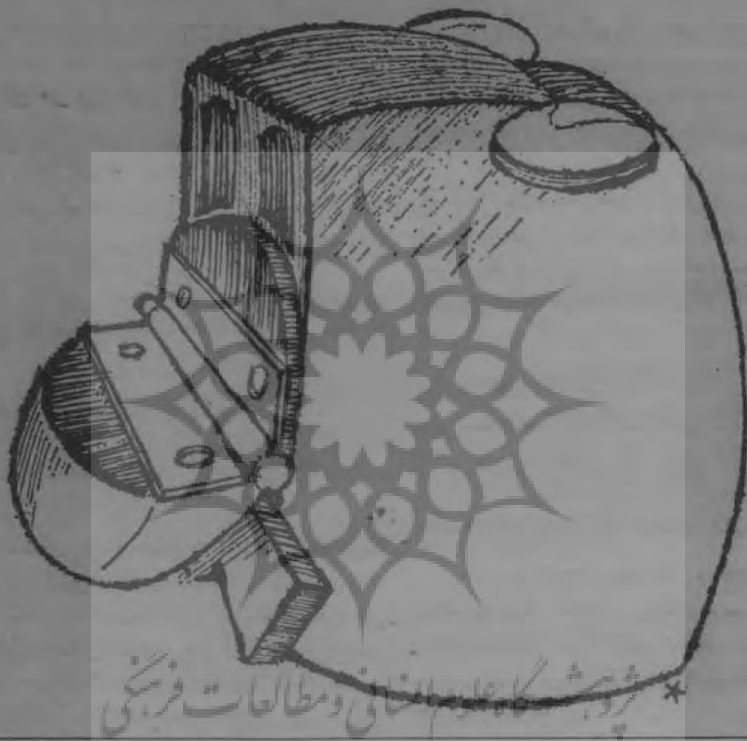
ژنو ، اول شهریور ۱۳۵۶ .

سید محمدعلی جمالزاده

(۱) برای اطلاع بیشتری مراجعه شود به سخنرانی لائزوینه (Lanjuinais) رجل سیاسی و دانشمند نامدار فرانسه که در سال ۱۸۱۶ میلادی در انستیتوی فرانسه درباری ایراد نموده است . چنانکه میدانید این سازمان فرهنگی بسیار معتبر فرانسوی مشتمل است بر پنج « آکادمی » یعنی آکادمی فرانسه - آکادمی هنرهای زیبا - آکادمی ثبت و ضبط اسناد مهم و ادبیات - آکادمی علوم سیاسی و اخلاقی ، آکادمی علوم . لائزوینه در سال ۱۸۲۷ میلادی وفات یافت .



عینیت در پژوهشهای اجتماعی ارزش گذاری، اعتقاد و عقیده



* پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« ارزش گذاری » مظهر آن اندیشه‌هایی است که بیان می‌کند واقعیت چگونه باید باشد - یا چگونه می‌باید بوده باشد .

مدعای اعتقادات انسان معرفت است . در نتیجه ، قضاوت درباره درستی اعتقادات همیشه باید با بکار بردن این معیار که آیا آنها اعتقادات درست یا کاذبی هستند ، و در صورت کاذب بودن تا چه حد و در چه جهتی از حقیقت بدور افتاده‌اند ، امکان‌پذیر باشد .

بعد دیگر ، کمال نسبی اعتقادات است . در اینجا نیز می‌توان اعتقادات را بطور عینی با معرفت جامع‌تری مقایسه و محل کمبودها و نقایص آنها را پیدا کرد . از سوی دیگر ، ارزش گذاری را به این معنی که مثلاً به تعیین ارزش یک وضع اجتماعی می‌پردازیم و می‌گوییم وضع آن « درست » ، « خوب » ، « عادلانه » ، « دلخواه » یا معکوس آن است یا بود - نمی‌توان با همان معیار عینی از طریق مقایسه با معرفتی حقیقی و کامل‌تر سنجید و مورد قضاوت قرارداد .

می‌آید که نسبت آن با چیزهای دیگر معلوم شود . رجوع کنید به زمینه جامعه‌شناسی ، تألیف آکابرین و نیم‌کیف ، اقتباس ا. ح. آریان‌پور ، ص ۱۵۵ ، ۱۳۴۴ ، تهران (مترجم) . به « عقیده »

Opinion مردم [که دومین نوع تصور آنها از واقعیت است - مترجم] ، اعتقادات و ارزش گذاریها به نحوی باهم عجین‌اند . در این باره من بعداً بحث خواهم کرد . گرچه در فراگردهای ذهنی مردم بین این دو تصور و مفهوم ، [« اعتقاد ، ارزش گذاری » و « عقیده » - مترجم] مرز دقیق و مشخصی وجود ندارد ، با اینحال از نقطه نظر تحلیل ما مفید است که بین این دو تصور و مفهوم تمایز قایل شویم زیرا که معنی منطقی این دو تصور و مفهوم باهم متفاوت است . یکی از این مفاهیم فکری و ادراکی (یا شناختی) است و دیگری هیجانی و ارادی . (۸) « اعتقادات » مظهر آن اندیشه‌هایی Idea است که بیان می‌کند واقعیت در حقیقت امر چگونه هست - یا چگونه بود ، در حالیکه

از آنجایی که علم جز شعور عام بسیار بغرنج یا فهم عادی بسیار پیچیده چیز دیگری نیست ، اگر جستجوی خود را با مشخص کردن جهان بینی مردم عادی اجتماع‌مان شروع کنیم - بدون آنکه دانشمندان علوم اجتماعی را در وضعیتی که تصورات خود را درباره چیزها و اشیاء ، هم خارج از رشته کارشان وهم - همانطور که خواهیم دید - داخل رشته‌شان بیان می‌کنند کنار بگذاریم - احتمالاً گام بسیار مفیدی برداشته‌ایم . در تمدنی که داریم ، نه تنها دانشمندان علوم اجتماعی ، بلکه عموم مردم نیز می‌خواهند معقول فکر کنند و درباره اموری که به آنها اطمینان دارند و واقعیتی که پیرامونشان هست و نسبت به آن واکنش نشان میدهند دلیل داشته باشند (۷) .

مفهوم و تصور مردم از واقعیت دو نوع است : مفهوم و تصور خالص و محض آنها را من « اعتقاد » Belief و « ارزش گذاری » Valuation می‌نامم . [ارزش گذاری یعنی تعیین ارزش Value یک چیز ؛ و ارزش یک چیز وقتی بدست